



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining The Manuscript Of ‘ Lesaan-Al-Dhaakerin ‘ By ‘ Raathi Naaeni ‘ From A Stylistic Point Of View

H.A. Pourmadani¹, A.H. Hemmati*¹, S.M. Rastgoo²

1- Department of Persian Language and Literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 January 2020
 Reviewed: 29 February 2020
 Revised: 15 March 2020
 Accepted: 29 April 2020

KEYWORDS

Lesaan-Al-Dhaakerin,
 Raathi Naaeni,
 manuscript of the twelfth century
 AH, Stylistic.

*Corresponding Author

✉ hemati Amir80@yahoo.com

☎ (+98 38) 33361042

ABSTRACT




BACKGROUND AND PURPOSE: Revival of manuscripts is an effective step in understanding the cultural and literary heritage of each ethnic group. The progress and exaltation of any nation is not possible unless they are aware of the history of their literature and culture. Therefore the transfer of the works of the past in a correct way and away from the intrusion and occupation is one of the cultural necessities of any society. The manuscript of ‘ Lesaan-Al-Dhaakerin ‘ by ‘ Raathi Naaeni ‘ is one of the manuscripts of the prose of the twelfth century AH , which has not been corrected and published until now, and has been registered in the library of Goharshaad Mosque under number 548. This study while providing explanations about the content of the manuscript of the mentioned book, examines its most important stylistic features at three levels; intellectual, literary and linguistic.

METHODOLOGY: This research has been done through content analysis and library tools.

FINDINGS: The subject of this work is related to the tragic events of Karbalaa and a brief account of the circumstances and virtues of the Pure Imams along with Persian poems by author and is the type of ‘ murder ‘.

CONCLUSION: This work with a simple and beautiful prose in the form of rhythmic and eloquent phrases, mixed with many poems and verses, most of which are from the author, along with the adaptation of numerous Ayehs and Hadiths, describes the calamities that befell the Pure Imams. Numerous words games of the author with the names of the companions of seyed-al-shohadaa in the forms of puns and ambiguity are the prominent features on this book.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5326](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5326)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 12	 0	 0

نشریه سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی نسخه خطی «لسان‌الذکرین» اثر «رائی نائینی» از دیدگاه سبک‌شناسی

حسینعلی پورمدنی^۱، امیرحسین همتی^{۲*} (نویسنده مسئول)، سیدمحمد راستگو^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده:

زمینه و هدف: احیای نسخ خطی گامی مؤثر در شناخت میراث فرهنگی و ادبی هر قومی است. پیشرفت و اعتلای هیچ ملتی میسر نمیشود مگر اینکه از پیشینه تاریخ ادب و فرهنگ خود آگاهی داشته باشد. از اینرو انتقال آثار گذشتگان به شیوه صحیح و به دور از دخل و تصرف از ضروریات فرهنگی هر جامعه‌ای است. نسخه خطی «لسان‌الذکرین» اثر «رائی نائینی» یکی از نسخه‌های خطی منشور قرن دوازدهم هجری است که تا کنون تصحیح و چاپ نشده و به شماره ۵۴۸، در کتابخانه مسجد گوهرشاد ثبت شده است. این پژوهش ضمن ارائه توضیحاتی درباره محتوای نسخه خطی «لسان‌الذکرین»، به بررسی مهمترین ویژگیهای سبک‌شناسی آن در سه سطح فکری، ادبی و زبانی میپردازد.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه تحلیل محتوا و کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: موضوع این اثر مربوط به وقایع جانسوز کربلا و مختصری از احوال و فضائل ائمه اطهار علیهم‌السلام همراه با اشعار فارسی از مؤلف است و از نوع «مقتل» محسوب میشود.

نتیجه‌گیری: این اثر با نثری ساده و زیبا در قالب عبارات موزون و مسجع، آمیخته به اشعار و ابیات فراوان که بیشتر آنها از مؤلف هستند، به همراه اقتباس از آیات و احادیث متعدد، به بیان شرح مصیبت‌های وارده بر ائمه اطهار پرداخته است. بازیهای لفظی فراوان مؤلف با اسامی یاران سیدالشهداء در اشکال جناس و سجع و ایهام از ویژگیهای شاخص این اثر است.

تاریخ دریافت: ۰۳ بهمن ۱۳۹۸
تاریخ داوری: ۱۰ اسفند ۱۳۹۸
تاریخ اصلاح: ۲۵ اسفند ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

لسان‌الذکرین، رائی نائینی،
نسخه خطی سده دوازدهم هجری،
سبک‌شناسی

* نویسنده مسئول:

✉ hematiamir80@yahoo.com

☎ ۰۴۲ ۳۳۳۶۱۰۴۲ (۹۸ ۳۸)

مقدمه

یکی از راههای شناخت آراء و اندیشه، سلوک و ساختار فکری و تحولات زبانی اندیشمندان گذشته، بررسی و شناخت آثار مکتوب آنهاست. بازبینی و تصحیح این نسخ و پرده برداشتن از چهره این شاهدان خاموش میتواند ما را با زوایای پوشیده ذهن و زبان آنها آشنا سازد. بعلاوه یکی از بهترین مشخصه‌ها در معرفی پیشینه فرهنگ ملل گوناگون و اصالت آن نسخه‌های خطی است. «نسخه‌های خطی دریایی از فرهنگ پرمایه ایران اسلامی و در حقیقت کارنامه دانشمندان و نوابغ فارسی زبان و هویت‌نامه ما ایرانیان است. تصحیح متون یا به تعبیری تصحیح انتقادی نسخ خطی، در همه ادوار و برحسب یک ضرورت فرهنگی در هر جامعه و زمان مورد توجه و نظر بوده و در میان ملل مختلف جهان از دوران باستان تا کنون دنبال شده است» (میزگرد: شیوه‌های احیای متون سرای اهل قلم، مایل هروی: ص ۸). یکی از این نسخه‌های ارزشمند، نسخه خطی «لسان‌الذکرین» اثر «رائی نائینی» است که در دوره قاجار نگاشته شده است. مباحث این کتاب به شرح مصیبت‌های وارده بر امامان معصوم خصوصاً در واقعه کربلا اختصاص یافته است. تاکنون درباره این نسخه هیچگونه پژوهشی انجام نگرفته و بررسی ویژگیهای این اثر بالاخص ویژگیهای سبک‌شناسی آن لازم و ضروری است. در این پژوهش بدنبال پاسخ این پرسش هستیم که مهمترین ویژگیهای سبکی این نسخه کدامها هستند؟

اهمیت و سابقه پژوهش

آثار باقیمانده از دوران شکوه تمدن ایرانی - اسلامی، بویژه نسخه‌های خطی، شامل اطلاعات تاریخی، ادبی و لغوی ارزشمند برای پژوهشگران ادبی است؛ به گونه‌ای که اگر نسخه‌های تصحیح‌نشده، در اختیار پژوهشگران قرار گیرد، تحول بزرگی در دانشهای سبک‌شناسی، نقد ادبی، عرفان و فرهنگ لغات و سایر علوم در پی خواهد داشت. این مهم مبیایست به همت پژوهشگران رشته زبان و ادبیات فارسی محقق شود؛ بنابراین معرفی و تصحیح هر نسخه خطی خدمتی عظیم به فرهنگ و دانش بشری است. هدف اصلی این مقاله، معرفی و بیان ویژگیهای سبکی نسخه «لسان‌الذکرین» اثر «رائی نائینی» است.

تاکنون تلاشهای بسیاری در زمینه تصحیح نسخه‌های خطی و معرفی آنها صورت گرفته است، اما در مورد لسان‌الذکرین تنها یک مقاله توسط همتی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی لسان‌الذکرین رائی نائینی» انجام شده است که در آن نویسنده تنها به معرفی نسخه خطی و مؤلف آن پرداخته و به ویژگیهای سبکی اثر نپرداخته است و این پژوهش از این منظر نو و بکر محسوب میشود.

بحث و بررسی

معرفی لسان‌الذکرین و مؤلف آن

کتاب «لسان‌الذکرین» متعلق به دوره قاجار و از نظر موضوع و محتوا، جزو کتب «اخبار و مقتل» است و درباره وقایع جانسوز کربلا و شهادت حضرت حسین علیه‌السلام و خویشاوندان و یاران آن حضرت و اسارت خانواده و فرزندان ایشان به کوفه و شام، و مختصری از احوال و فضائل بقیه ائمه اطهار علیهم‌السلام همراه با اشعار فارسی از مؤلف است. این کتاب بصورت تعدادی «مجلس» برای واعظان و اهل منبر تنظیم شده است. این اثر تألیف حاج میرزا محمدهادی نائینی فرزند ابوالحسن شریف نائینی (وفات پس از ۱۲۴۳ ه. ق) متخلص به «هادی» و معروف به «رائی نائینی» است و با کمک حاجی محمدقاسم روضه‌خوان کاشانی (وفات ۱۲۳۲ ه. ق) و به نام

فتحعلی شاه قاجار و با خطبه‌نگاری میرزا محمدحسین اصفهانی به رشته تحریر درآمده است. این نسخه مشتمل بر یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه است و به شماره ۵۴۸، کتابخانه مسجد گوهرشاد ثبت شده و دو بار در سالهای ۱۲۸۷ ه.ق در بمبئی و سال ۱۲۹۶ ه.ق در تهران به چاپ سنگی رسیده است.

سطح محتوایی

هر اثر ادبی بر دو رکن قالب و محتوا استوار است، یعنی علاوه بر شکل ظاهری، از حقیقت دیگری هم تشکیل میشود که همان محتوا یا معنای موجود در اثر است و در مقام تشبیه میتوان قالب را مانند کالبدی برای روح معانی دانست. «درونمایه یا تم، عبارت است از فکر یا فکرهای اصلی که در اثر ادبی بوسیله نویسنده یا شاعر عرضه میشود. درونمایه گاه صریح و آشکار است و گاه پنهان و کشف آن نیاز به تعمق و تفکر دارد» (واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی: ص ۱۰۳).

الف- مرثیه: مقتل، اندیشه‌های دینی: مهمترین درونمایه و فکر مطرح در این اثر، مرثیه و درواقع نوع خاصی از آن به نام «مقتل» است. مقدمه کتاب در تعریف عشق حقیقی است. باب اول کتاب، در بیان آیات و احادیثی است که در شأن حضرت سیدالشهداء نازل شده‌اند و در سه مجلس ترتیب یافته است. مجلس اول در ذکر دوازده آیه که درباره سیدالشهداء است، مجلس دوم در ذکر دوازده حدیث از حضرت است و مجلس سوم نیز در ذکر دوازده پیغمبر است. باب دوم کتاب، در بیان مصائبی است که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا زمان شهادت امام حسین (ع) در خاندان نبوت و امامت روی داده است. این باب در پنج مجلس ارائه شده است. مجلس اول: «در بیان اجتماع مشرکان و منافقان در سقیقه بنی ساعده در غصب نمودن خلافت از معدن کرامت»؛ مجلس دوم: «در بیان بیعت خواستن سامری امت از هارون زمان»، مجلس سوم: «شرح عزای دختر خیرالبشر»؛ مجلس چهارم: «شهادت حضرت علی بن ابی طالب» و مجلس پنجم: «در بیان شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)» نگارش یافته است. باب سوم کتاب «در بیان کیفیت ولادت و شهادت حضرت امام حسین (ع)» است. این باب مشتمل بر سی و هفت مجلس است که در آنها قسمتی از شرح حال حضرت از زمان ولادت تا واقعه عاشورا آمده است. باب چهارم، به چگونگی شهادت حضرت امام حسین (ع) اختصاص دارد و مشتمل بر یک مقدمه و یازده ذکر است. باب پنجم نیز به احوال اهل بیت پس از شهادت اختصاص دارد و در هجده مجلس نگارش یافته است. مؤلف در مجلس سوم از باب اول و در باب دوم که به ذکر مصیبت‌های دوازده پیغمبر و سایر خاندان نبوت و امامت میپردازد، در حین توصیف این مصیبت‌ها، این احوال را با واقعه عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهداء پیوند زده و مصیبت کربلا را عظیمتر و دردناکتر از سایر مصیبت‌های وارده بر امامان و پیغمبران میدانند. بطور مثال در دو نمونه زیر مصیبت عاشورا با مصیبت وارده بر حضرت یوسف و ایوب مقایسه شده است: یوسف، عزیز مصر جهان شد و حسین عزیز مصر جنان (۶۳)، ایوب به شفا خوشنود شد و حسین به بلا، ایوب تن به بلا داد و حسین سر در راه رضا نهاد. (۶۶).

مخاطب قرار دادن خوانندگان با عنوان «ای شیعیان» که تقریباً در تمام صفحات کتاب دیده میشود و ذکر آیات و احادیث در شأن حضرت سیدالشهداء دلیل بر گرایشهای شیعی مؤلف است، همچنانکه در جای‌جای کتاب مؤلف نظر خوشی در باب ابوبکر و عمر ندارد، بطور مثال در حادثه وفات حضرت محمد (ص) اطرافیان حضرت را با ترفندهای ادبی جناس و سجع، در حال گریه و زاری توصیف میکند ولی در توصیف ابوبکر و عمر نظر دیگری دارد:

«سلمان، قلب سلیمش طپان، و اباذر، در آذر حرمان سوزان، و مقداد ابن‌اسود را روزگار سیاه، و عمار یاسر را بنیان عمر تباه، زبان بلال از کثرت اندوه لال، و بلال بدر اقبال در وبال، از اعادی ابوبکر در مقام حیل و مکر، و عمر در اندیشه کید و غدر» (۱۰۸).

همچنین تعداد بابها و مجالس نیز دلیل محکمی بر گرایشهای شیعی مؤلف دارند. «بنیان و شکل‌گیری هریک از این مجالس سه‌گانه (در باب اول) بر عدد دوازده و همچنین کل بابهای کتاب بر عدد پنج، اشاره‌ای آشکار به گرایشهای فکری و پایبندی مؤلف به مذهب اثنی عشری دارد. افزون بر آن، عدد پنج، برائت استهلالی است به موضوع و محتوای مجلد اول کتاب که شرح احوال و توصیف مصائب پنج تن آل عباست» (بررسی لسان‌الذکرین، همتی: صص ۱۵۲-۱۵۳). «تعصب شدید مؤلف کتاب به مذهب شیعه و جانبداری صرف او از خاندان نبوت و هواخواهی تام از ائمه اطهار (ع) به همراه مخالفت و عناد نسبت به غاصبان منصب خلافت و حکام بنی‌امیه و علی‌الخصوص ابراز بغض و کینه فراوان نسبت به قاتلان سیدالشهداء، از جمله خصوصیات است که در سرتاسر کتاب، جلوه‌های گوناگون و حتی هنرمندانه آن را میتوان مشاهده نمود» (همان: صص ۱۷۳).

در این کتاب، در کنار توصیف شهادت امام حسین (ع) و یارانش، به این موضوعات نیز پرداخته شده است: اعتقادات دینی، شفاعت امامان، محبت اهل بیت، اهمیت ماه محرم، انتقامخواهی، لعن و نفرین، دعوت به صبر و مانند آنها. «هرچند در میان مطالب این اثر، مطالب و موضوعاتی یافت میشود که احتمالاً از نظر واقعیت و صحت تاریخی، اتفاق نظر همگانی در خصوص آنها وجود ندارد، اما این قسم از مطالب و موضوعات نیز در ردیف باورهای قرار میگیرند که در خصوص وقایع عاشورا در میان مردم عامه رواج داشته‌اند و جزو آموزه‌های اعتقادی آنان محسوب میشوند» (همان: صص ۱۷۲).

ب: کاربرد اصطلاحات علمی: نائینی در اثرش، از مراعات نظیر با اصطلاحات نجوم، موسیقی و شطرنج، برای توصیف واقعه کربلا استفاده کرده تا علاوه بر نشان دادن هنر شاعری خود، تمامی ذرات جهان را در غم کربلا سهیم سازد:

«از اضطراب اهل حرم زهره زهرا، چنگ از چنگ رها کرده، بیضه بیضا، در نقاب کسوف مأوا نمود، کیوان در ایوان جامه سیاه پوشید، بهرام باده تمنای کور از ساغر ماه کشید، عطارد خامه ماتم برداشت، برجیس قدم در صومعه غم گذاشت (۳۱۳)، طرب را مشتری، مشتری، و زهره در محفل زهرا به رامشگری ماه دف نواخت. مهر مشعل افراخت. عطارد سرخط آزادی مینوشت، و بهرام از جنگجویی گذشت. کیوان از ایوان سپهر رو به درگاه رسالت آورده بخت سعید یافت و روشنی طلعت آن مولود همایون فلک اطلس تافت (۱۷۰)، دف، در کف ماه شکست، و تار چنگ در چنگ ناهید گسست. کیوان با ملال لباس سیاه در بر کرد، و بهرام در وبال خاک مصیبت بر سر (۲۷۰)، بعد از مقاتله بسیار آن شهسوار را با رخ گلگون از اسب پیاده کردند و آن گروه بدکیش، آن شاه حقیقت‌اندیش را مات نموده، (۷۴)، پردگیان استار عصمت، بی‌پرده نوای واحسینانه راست کرده، شور در مخالف و موالف، عراق و حجاز و عرب و عجم افکنده بودند (۳۳۷). ای زهرا، ژهره را زهره آن نیست که به جز از نوای راست در محفل سراید و برجیس را یارای آن نه که به غیر از هدیه درود و سلام تحفه به صومعه اقبالم آورد» (۳۶۰).

ج- کاربرد و استفاده از رنگها: کاربرد رنگها فضای خاصی به اثر بخشیده است. همنشینی رنگهای شاد در کنار واژگان غمبار، شور و سوزناکی متن و اشعار را دوچندان کرده است. بسامد بالای رنگهای سرخ و سبز و سفید

نشان می‌دهد این رنگها در توصیف مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش و رنگ سیاه در توصیف پستی دشمنان آن حضرت بخوبی تصویرسازی کرده‌اند:

«یکی لعل یاقوت‌رنگش از زهر جفا زمرّدفام گردید، و یکی لب لعل‌فامش از بی‌آبی کیبودرنگ شد (۳۶)، منت خدای را که در ماتم سرور سفیدرویان، پیوسته اشک سرخ به چهره زردم روان (۴۱)، سیاه باد رویی که در زهر دادن حسن (ع)، شرم از رخسار سرور سفیدرویان نمود، و زرد باد عارضیش می‌شود که در حالت تشنگی جرعه آبی به حسین نپیمود (۳۷)، لعل لب یاقوت‌رنگش از تاب تشنگی کیبود بود و از نرگس تر بر ورق گل، آب جاری مینمود (۶۲)، سبزی چمن حسن مجتبی، سرخی لاله‌زار سیدالشهدا (۱۰)، اشک سرخ بر عارض سبز آن امام انام جاری گردید (۱۶۱)، پس از ماتم حسن مجتبی چگونه لباس سبز خرمی دربرمینمایند، و لاله‌عداران گلستان پس از شهادت حسین شهید کربلا چسان به سرخ‌روی پرده از چهره می‌گشایند (۳۷)، سبزی چمن امامت از آبیاری لعل زمرّدفام اوست (۱۷۱)، آن نخل باغ سبز مرتضوی را از سرچشمه فیض ربانی سیراب نمود (۱۷۱)، اشک سرخ بر چهره سبزش افشاند» (۲۷۱).

سطح زبانی (ساختار زبانی)

بطور کلی میتوان گفت چارچوب زبان شاعران دوره بازگشت همان چارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی و عراقی است، با این تفاوت که بسیاری از مختصات کهن خود را بکلی از دست داده و تا حدودی مختصات جدید در آن راه یافته است (سبک‌شناسی شعر فارسی، غلامرضایی: صص ۲۵۴-۲۵۷).

سطح آوایی: در سطح آوایی که به آن سطح موسیقایی نیز گفته میشود، عوامل موسیقایی آفرین مورد توجه قرار میگیرند و خود سه سطح موسیقایی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (ردیف و قافیه) و موسیقی درونی (انواع سجع و تکرار) را شامل میشود.

موسیقی درونی: موسیقی کلام، حاصل حسن ترکیب همه اجزای سخن از جمله وزن، قافیه، ردیف، صامت‌ها و مصوت‌ها، تکیه و سکوت‌هاست. از آنجاکه اساس موسیقی بر تنوع و تکرار بنا نهاده شده است «هر کدام از جلوه‌های متنوع و تکرار در نظام موسیقی بیرونی و کناری، در حوزه مفهومی این نوع موسیقی قرار میگیرد» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۴۱۵). در ادامه به برخی از مواردی که موسیقی درونی را در این اثر بوجود آورده است، اشاره میشود:

*جناس: «مفهوم جناس، هر نوع اشتراک در مصوت‌ها و صامت‌های کلام است که در طرح‌های گوناگون میتواند خود را نشان دهد. در ذات و طبیعت هر زبان، جناس خود را بعنوان یک قانون زیباشناسی نشان میدهد» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۳۰۱). در لسان‌الذکرین، جناسها بیشتر با نام افراد (حتی با نام مشرکان) خلق میشود، و در مواردی که مؤلف نتوانسته بین اسامی و کلمات دیگر جناس برقرار سازد، این اسامی را با شگردهای ادبی دیگر مانند ایجاد تضاد، مراعات نظیر، و ایهام با واژگان مورد نظرش پیوند داده است:

«وَهَبْ، صاحب مواهب سرمدی و حبیب، حبیب حضرت احمدی؛ مسلم مُسَلِّم، هلال مُکَرَّم، شریح شهید، سعید سعید؛ قیس مجنون، لیلای یقین، عون، معین دین مبین؛ ضریب آزاد، سیف از نیام برآمده؛ مَعْقِلِ عَاقِل، مالک مَلکِ خِصَیل؛ عروه محکم ایمان، حارث، حارس سرای ایقان (۳)، سلمان، قلب سلیمش طپان، و اباذر، در آذر حرمان سوزان، و مقداد ابن اسود را روزگار سیاه، و عمار یاسر را بنیان عمر تپاه، زبان بلال از کثرت اندوه لال، و بلال بدر اقبال در وبال (۱۰۸)، ای خلیل ربّ جلیل امر فرمود (۵۷)، شمر شریر خنجر بر خنجرش نهاد (۵۷)،

حضرت کلیم، گلیم راحت از جهان برچید (۶۹). پس ابن شهاب که کاش شهاب غضب الهی آن را سوخته بود (۸۳)، ای زهرا، زهره را زهره آن نیست» (۳۶۰).

در مواردی نیز بین کلمات دیگر جناس برقرار کرده که بیشتر آنها از نوع جناس تام و مرکب هستند: «دوستانش از او گشتند، و دشمنانش از او گشتند (۱)، عُقابِ عَقابِش، عُقابینِ فتنه و فساد را به عَقابینِ نیستی کشیده، و احتسابِ حسابش کسوتِ ایمنی به ساکنان عالم هستی بخشیده. رُوسِ رُوسِ روسِ ثمر نهال سنانش، عظامِ عظامِ هنود، طعمه‌های شمشیر آتش‌افشانش (۶)، اوقاتم در تحصیلِ صرفِ صرفِ شدی، اندیشه‌ی نحو، مسرت از دلم محو کردی (۷). ناهجِ مناهجِ خلیل بود (۵۵). غافل از مشیتِ خدای احد، به احد رسیدند (۸۱). یزید پسر معاویه حاکم شام از حریرفانِ دردآشامِ آوازه‌حسن و جمال و غنچ و دلال تو را شنیده (۱۵۵). آن شایسته‌ی زبانه دوزخ زبان او را قطع نمود» (۲۶۱).

* سجع: در سجع که به آن «تکرار نحوی» نیز گفته میشود، «چون ویژگیهای بخش یا مصراع دوم، اولی را تداعی میکند، ذهن از این دریافت لذت میبرد. تکرار نحوی قرینه‌سازی است و مانند هر قرینه‌سازی دیگر زیباست» (بدیع از دیدگاه زیباشناسی، وحیدیان کامیار: ص ۵۶). بخش اعظمی از اثر به نثر مسجع به تحریر درآمده و موجب آهنگ و لطافت خاصی در اثر شده است. کاربرد سجع در این اثر با توجه به موضوع آن کاملاً متناسب مجالس عزاداری است. بجز بخشهایی از آغاز کتاب (بعد از دیباچه که در ذکر آیات و احادیث و تفسیر و تأویل آنهاست) بیشتر جملات کتاب آراسته به سجع است:

«مجاهدینش رفته بر دار را مهجور نخوانند و مانده در دار را منصور ندانند (۱)، ما را به بارگاهِ وصالِ راهی، و به درگاهِ اقبالِ پناهی (۳)، از شایسته‌ی تاج وهاجِ لولاک و ارزنده‌ی گوهرِ صدفِ خاک. از صاحب مرتبه‌ی هرونی، از زینتِ منبرِ سلونی. از آن آفتابِ فلکِ هدایت، از این کوکبِ سپهرِ ولایت (۴)، خامه‌ی ماتم‌نگارم مایه‌ی نگارشِ سعادت و انگشتِ خامه‌بردارم کلیدِ گنجِ شفاعت است (۹)، صورت نیست جز مجاز؛ و حقیقت، به غیر از حضرت بینباز (۱۲)، خاطرش را فگار و دلش را داغدار و جگرش را کباب و دیده‌اش را پرآب نمود (۴۸). آن صاحب اورنگ ملک ریان گردید و این مالک ملک قرب دیتان (۶۳). گاهی با هرون در مقام خطاب، و زمانی با سامری عتاب داشت، (۶۹) آن را خوف از وعید بود و این را امان از امید» (۷۴).

بعلاوه نائینی با قرینه‌سازی واژگان مسجع در یک جمله یا جمله‌های مجاور (ترصیع و موازنه) به طنین موسیقایی کلام خود افزوده است. «موازنه و سجع بالطبع موجب موزونی عبارت میشود، چه این دو از مختصات نظم است که نثر آن را عاریه کرده است. ... نثری که رعایت موازنه و مطابقه و سجع در آن بعمل آید، طبعاً یک نوع موزونی و خوش‌آهنگی در آن دیده میشود» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۲۷۵).

«ما را به بارگاه وصال راهی و به درگاه اقبال پناهی عنایت فرما (۳). کاشفانِ حقایقِ ایمان و سالکانِ مسالکِ ایقان (۶) آب حیات از ظلمات دوات یابد (۹). کاشف کنوز حقایق، واقف رموز دقایق (۱۰) سرو جویبار اجتبی و لاله گلزار ارتضی بودند (۳۶). منصوص آیه شریفه تطهیر و مخصوص صهای خم غدیر (۱۱۰)، عسگر هدایت و جلالت، با لشگر کفر و ضلالت (۲۰۲)، شایسته خلعت شهادت، و زینده کوی سعادت» (۲۵۰).

* تکرار: تکرار از جمله آرایه‌های لفظی است که در بدیع قدیم چندان دلپسند و مورد توجه نبوده است و بعضی از بدیع‌نگاران آن را مخل فصاحت میدانسته‌اند (معالم البلاغه، رجایی: صص ۱۵-۱۶)، اما در بدیع امروز، تکرار باعث افزایش موسیقی کلام شده و شامل هم‌حروفی، هم‌صدایی، تکرار واژه، تکرار هجا، تکرار عبارت و جمله، طرد و عکس و مانند آنها میشود.

* واج‌آرایی: واج‌آرایی هم جزو صنایع بدیع لفظی و هم جزو صنایع بدیع معنوی است و در این اثر همراه با جناس، بسامد زیادی دارد: «خشک لب چون شد شهید آن شهسوار تشنه‌کام (۵) شراره شمشیر کشورگیرش، خرمن‌سوز ماسوی الله؛ و مخیم خيام نصرت‌احتشام او عرصه دل آگاه است. (۱۲). هزار اموی را از شراره شمشیر آتش‌بار بر باد فنا داد (۱۹). به مثابه بیدای بیداد برادران به حضرت یوسف (ع) بود (۴۹). با قلت انصار به قتال آن قوم اشرار قیام فرمود (۵۰). به جای کرمان پیکان تیر بی‌رحمان به بدن نازنینش مکان کردند (۶۶). آن شیربچه شجاعت شکار روباه‌صفتان گردید (۲۹۳)».

* تتابع اضافات: از ویژگی‌های زبانی این اثر اهتمام مؤلف به کاربرد ترکیبات اضافی و وصفی و واژه‌های مرکب است. واژگان مفرد و بسیط و جملات ساده که تنها از عناصر اصلی متشکل باشند، در نظر نویسنده لسان‌الذاکرین ارج چندانی ندارند و مؤلف بطور دائم از ترکیبات اضافی و وصفی برای معرفی اشخاص و حالات و وقایع استفاده کرده است: «تیشه سخنم چشمه‌های روان از قلوب سنگین‌دلان گشاید (۷۷)، شاهکار علم اجلالش بیضه اسلام‌پرور (۱۱۲)، مستظلمین ظلال علم اقبالش و منعطشین زلال جویبار افزالش (۱۷۷)، گرداب دریا طوفان‌زای آرزوهای دنیایی (۳۰۱)».

* کاربرد اشعار: علاوه بر کاربرد جناس و سجع، ذکر اشعار فراوان نیز باعث تقویت موسیقی اثر شده است. مؤلف در میان توصیفات خود از وقایع و مصیبت‌های وارده بر پیامبران و امامان و شرح واقعه کربلا، اشعاری را از خود یا شاعران متقدم و معاصر ذکر کرده است. بیشتر اشعار کتاب، سروده مؤلف بوده که سست و از نوع مرثیه هستند و در آنها اشتباهات بسیاری در وزن و قافیه دیده می‌شود. علاوه بر اشعار مؤلف که با عنوان «لمؤلفه» از دیگر اشعار شاعران مشخص شده، اشعاری از دیگر شاعران مرثیه‌سرا مانند محتشم کاشانی و صباحی بیگدلی نیز دیده می‌شود.

مسائل مربوط به تلفظ

* کاهش (حذف): حذف واج ممکن است در اول، وسط یا پایان واژه صورت گیرد. در فرایند حذف، گاه ممکن است بیش از یک واج از واژه حذف شود: «رشته اعوان و انوارش رو به کوتهی آورده (۲۸۷)، خلیل‌وار شهنشاه دین به حسرت و آه (۲۸۹)، گفت لعل شه ابرار شکست (۲۹۳)، سر چه سر، از مهر و مه رخسندۀ تر (۳۲۰)، یکی میگفت که ایشان از مهانند (۳۳۹)، بگفتند آن زمان کاندلر نماز است (۱۳۴)، کاندلر ره محبت تو ترک جان کند (۲۶۰)، یکی سر بر زمین، کاین قبله ماست (۲۵۹)، نه عقل را دست ستیز، و نه شهوت را به غیر از پای گریز است (۱۲). جبرئیل برداشته بود و آن را فرس‌الحویات میگفتند، در دهن او ریخت (۶۶). ناگاه عیسی (ع) به فرمان خدای تعالی دهن از پستان مادر برداشت (۷۶). چون به نزدیک آن دروازه رسیدم دیدم که رایات کفر و ضلالت را از پی یکدگر می‌آوردند (۳۳۶). کاین چنین بی‌اختیارش کوشش است (۱۳). آل علی ز خیمه به زاری بیرون شدند (۳۱۴). آنگه به بارگاه برون از نظر رسید (۴)، چارم این لفظ یمین است (۳۲). عیسی عزات در فلک چارمین گرفت (۹۶)، شادی به دوستان پیمبر حرام شد (۳۳۵). خوش جای آشتی به پیمبر گذاشتند (۹۸)».

* تخفیف: هر گاه مصوت‌های بلند در یک واژه به مصوت‌های کوتاه متناسب با خود تبدیل شوند، فرایند تخفیف اتفاق می‌افتد؛ یعنی در این نوع، مصوت بلند "ی" به مصوت کوتاه "ی"، مصوت بلند "و" به مصوت کوتاه "و" و مصوت بلند "ا" به مصوت کوتاه "ا" تبدیل می‌شود. «در متون دوره نخستین فارسی دری، تبدیل مصوت ممدود «او» (واو ماقبل مضموم) بصورت کوتاه «ضمه» مکرر دیده شده است و این را نیز در اصطلاح «تخفیف»

میخوانند» (تاریخ زبان فارسی، نائل خانلری، ج ۲: ص ۶۲). «رفت چون اهرمن او سوی سلیمان زمان (۱۲۰)، ای خلیفه الله الاکبر به سعی عمر بدگهر، مردم به بیعت ابوبکر کافر درآمدند (۱۱۱)، عمر بدگهر برخاست و به جانب سلمان (رض) شتافت (۱۱۵)، آواز مرتضی، شه والاگهر رسید (۴)، شکر که خون، لاله بستان ماست (۴۱)، به بستان امامت سرو آزاد (۱۶۴)، بستان خلد را به تمنای ملک ری (۲۱۲)».

*الف اطلاق: کاربرد این نوع الف از دوران غزنوی بسیار کاهش یافته است و حتی در شاهنامه فردوسی نیز این الف، تنها در قسمتهایی دیده میشود که در دوران جوانی فردوسی است (سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب: ص ۱۸۶). در دوره بازگشت به تقلید از شاعران قدیم، این ویژگی دوباره مرسوم شد. به نمونه‌هایی از کاربرد آن در این اثر اشاره میشود: خرد گفتم محمد شد به معراج (۱۳۸) عقل گفتم با جوانی این چنین (۱۹۳)، ترسانند که مبادا آنچه میدهند مقبول درگاه نشود (۲۹) مبادا در وقت جان دادن دست و پای زخم (۵۷).

سطح لغوی (ساختار واژگانی)

واژه و لفظ، ماده اصلی شعر و یکی از عوامل زیبایی و تأثیرگذاری آن است؛ زیرا موسیقی و آهنگ از الفاظی که شاعر بکار میبرد برمیخیزد. بررسی درصد لغات فارسی و عربی، لغات بیگانه مانند ترکی یا مغولی یا کهن‌گرایی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم ذات یا معنی در این بخش مورد بررسی قرار میگیرد.

*لغات و ترکیبات عربی: موضوع خاص این اثر، یعنی مقتل و مرثیه‌سرایی برای سیدالشهداء باعث کاربرد زیاد لغات و ترکیبات عربی در آن شده است. بیشتر لغات عربی، مرسوم و از نظر معنا ساده هستند و دیگر ویژگیهای کلمات عربی در این اثر بکار رفتن این لغات بصورت ترکیبات اضافی و وصفی است.

*اسامی خاص: کاربرد اسامی خاص یکی از ویژگیهای این اثر است. علاوه بر موضوع اثر که کاربرد اسامی خاص را اجتناب‌ناپذیر میکند، نائینی در موارد بسیاری واقعه کربلا و حوادث مذهبی را با داستانهای غنایی و حماسی و مذهبی پیوند زده است و علاوه بر ساخت تلمیح، موجب ازدیاد کاربرد اسامی خاص (در شکل تلمیح) شده است.

* ترکیبها: از عوامل تشخیص دادن به زبان و خارج کردن زبان از حالت اعتیاد آن، ساختن ترکیبات است (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۲۷). در کتاب لسان‌الذکرین واژگان ترکیبی بسیاری مییابیم که بسیاری از آنها برساخته نویسنده است، این ترکیبها به نثر وی تشخیص بخشیده است. از جمله پرسامدترین ترکیب‌سازیه‌ها افزودن وجه‌شبهه یا مشبهه به مشبه‌به بعنوان صفت است: مالک ملک‌خصایل، قمرمنظر، مهرفرجام، جم‌جاه، عدالت‌کسری، بلقیس‌سیمای، یوسف‌خصال، مریم‌رأی و مانند آنها.

برخی از ترکیبات خودساخته، ترکیباتی هستند که با واژه «شاه» ترکیب شده‌اند. در این اثر ترکیبات اضافی و وصفی فراوانی با واژه شاه ساخته شده است که ارادت نائینی را به خاندان رسالت نشان میدهد: شاه‌بیت دیوان رسالت (۸۴)، شاه سریر لولاک (۸۶)، شاه انس و جان (۸۸)، شاه‌نشا لولاک (۱۰۵)، شاه سریر لامکان (۱۶۷)، شاه مردان (۸۱)، شاه ولایت (۸۲)، شاه ولایت‌پناه (۸۵)، شاه سریر هل اتی (۸۸)، شاه نجف (۱۱۷)، شاه اولیاء (۱۱۸)، شاه لوگشیف (۲۰۳)، شاه جگر‌تشنه (۷۴)، شاه حقیقت‌اندیش (۷۴)، شاه کربلا (۸۷)، شاه مظلومان (۱۰۰)، شاه تشنه‌لبان (۲۱۸)، شاه شهیدان (۲۴۰).

نویسنده از کلمات سلطان، و خسرو نیز استفاده کرده است: خدیو کشور معنی (۱۳۲)، سلطان کربلا (۱۶۱)، سلطان دین (۲۵۴)، سلطان بسیط زمین (۳۶۲)، خسرو تشنه‌لبان (۲۱۷)، خسرو ناس (۲۲۱)، خسرو لولاک (۳۱۱)، خسرو شهیدان (۳۵۸)، خسرو تشنه‌کامان (۳۸)

سطح ادبی (ساختار بلاغی)

وزن و قافیه، نظم و نثر را از یکدیگر جدا میکند، اما فضای عاطفی و خیال‌انگیز شاعرانه که هم سبب القای معنی و هم مایه تحریک و تهییج خواننده و شنونده میشود، از خیال و صورتهای خیال‌انگیز شاعرانه مایه میگیرد و صور خیال در شعر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

* تشبیه: تشبیه پرسامدترین صورت خیال در لسان‌الذکرین است و از میان انواع تشبیه، تشبیه بلیغ در زمره پرکاربردترین تشبیهات در این اثر است. نائینی با ساختار تشبیه بلیغ، مفهوم مورد نظرش را بشکل مؤثرتری بیان کرده است: تشنگان فرات‌قربش از بیابان محنت به پایان محبت رسیدند، و رختِ راحت به سرمنزول استراحت کشیدند (۱)، نار اسودِ حسد به کانون دل قابیل شعله‌ور گردید، رشته ایمان را گسست (۴۸)، حضرت نوح نبی ناخدای کشتی حقایق و عرفان و غواص دریای علم و ایمان بود (۵۰)، کشتی حیاتش به گرداب فنا خواهد رسید (۵۱)، از چهار موجه ابتلائی جهان به ساحل قرب مُلک مَنان رسید (۵۱)، پیمانۀ حیاتش را به سنگ جفا شکستند (۶۹)، در آتش عطش، شجر وجود سعادت‌برش را سوختند و جامۀ جسد مطهرش را به مقراض شمشیر جفا بریدند و به سوزن تیر و پیکان دوختند (۶۹)، لب و دندان آن لؤلؤ بحر کرامت را به سنگ ستمی آزد که (۸۳)، خار مصیبت از پایشان به ناخن عنایت برمی‌آورد (۱۰۱).

توصیف صحنه‌های نبرد و بیان حالات امام حسین (ع) و یارانش، باعث شده نائینی بیشتر از تشبیهات حسی به حسی استفاده کند. این تشبیهات در محسوس ساختن و عینی کردن صحنه‌های نبرد برای مردم عامه تأثیری بسزا دارد. نکته درخور تأمل در تشبیهات این کتاب، پویایی آنهاست؛ چراکه نویسنده بسیاری از «تصاویر خود را از جوانب مختلف حیات و احوال گوناگون طبیعت میگیرد» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع‌کدکنی: ص ۲۵۳). هوا چون سینۀ یعقوب سوزناک گردید (۶۱)، طپانچه چند بر رخسارش زد که گلبرگ ترش مانند بنفشه کیود گردید (۶۲).

بعد از تشبیه حسی به حسی، تشبیه عقلی به حسی بسامد بیشتری دارد: بیابان محنت (۱)، درگاه اقبال (۳)، سپهر ولایت (۴)، غبار وفات (۶۴)، بستر غفلت (۱۱۱)، دریای افضال، چشمه‌سار جود (۲۰۲)، جسر لذات نفسانی، بحر عطا و سخا (۲۰۳)، دشت خاطر، وادی سرگردانی (۲۰۸)، جنود جهل، عسگر عقل (۲۱۲). شمار زیادی از تشبیه‌ها در این کتاب تلمیحی است؛ عبارت دیگر مشابه یکی از شخصیت‌های تاریخی است و یا در تشبیه به وقایع تاریخی نظر دارد؛ زیرا مؤلف در سراسر اثر قصد دارد افراد موردنظر و مصیبت‌های وارده بر آنها را با حضرت سیدالشهداء و واقعه کربلا مقایسه کند: خلیل آسا به آتش نمرودی درآید و ذبیح‌وار طریق قربانگاه پیماید. یعقوب‌مثال به فراق پسر مبتلا شود، یوسف‌خصال از کنعان وطن جدا گردد. موسی صفت بیابان‌نورد، عیسی سیمت آسمان‌گرد، محمدوار دل به کارزار مخالفان نهد، علی کردار تن به قتال مشرکان دهد (۱۶). کاروانیان مانند موسی عمران در تیه حیرت سرگردانند (۲۰۷)، عدلش کسری، عقلش بوذرجمهر (۶).

* استعاره: استعاره در حقیقت تصویری است که از یک تشبیه حاصل شده و بدلیل اینکه خواننده را به حرکت و تلاش فراوان وادار میسازد تا به تخیل شاعر دست یابد، از ارزش ادبی بیشتری نسبت به تشبیه برخوردار است؛ زیرا در استعاره، طرفین تشبیه با یکدیگر درآمیخته میشود و هر دو یکی پنداشته میشود؛ به گونه‌ای که نیازی به ذکر هر دو سوی تشبیه احساس نمیشود. راثی نائینی در کتاب خود با کاربرت صفت بجای موصوف و مشابه بجای مشبه (استعاره) سبک بیانی ویژه‌ای رقم زده و بیشتر از استعاره مصرحه مجرده استفاده کرده است: آن کافرغدار دست از جفای بضعة احمد مختار برنمیداشت (۲۰)، وای بر گروهی که عقیق جگری را الماس سودند (۳۶)، منت

خدای را که در ماتم سرور سفیدرویان، پیوسته اشک سرخ به چهره زردم روان (۴۱)، راعی بی‌شبه و قرین، شبان مرغزار علیین حضرت روح‌الامین، گوسفندی در پیش دارد (۵۷)، یوسف مصر امامت از استماع این سخنان تن به کشته شدن نهاد (۶۳)، با هزاران جزع، مرجان از جزع باریدند (۷۸)، شیر یزدان و شاه مردان به مبارزت او بیرون رفت (۸۱)، از ضرب سنگ، لعل یاقوت رنگش شکافت و دندان رباعیه آن شاه‌بیت دیوان رسالت شکست (۸۴)، دوباره آن خورشید جهان را بر مرکب فلک‌سیر سوار نمود (۸۶)، مبارز میدان لافتی و شاه سریر هل اتی را نیز در حرب ماهر دید (۸۸)، آن آفتاب فلک عصمت در سایه دیواری قرار گرفت (۸۹)، در کنارش گرفته کوکب بر قمر و زاله بر گلبرگ تر روان ساخت (۹۴). آن دو ثانی عزیز کنعانی، یوسف‌وار در زندان بودند (۲۵۴). میدید که گرگان کوفه و شام مهتای قتل او ایستاده (۲۸۹). آن سروی که در باغ نظر پدر پرورش یافته بود، به خیابان جنان روان شد (۲۹۰).

*کنایه: کنایه یکی از مهمترین ساختارهای هنری شعر است. در کنایه شاعر از صریح سخن گفتن میگریزد و سخن را به شیوه‌های پنهان ارائه میدهد تا خواننده نیز در دریافت آن تلاش کند. معمولاً کنایه‌ها از زندگی تجربی شاعر و جامعه او سرچشمه میگیرند، بنابراین نوع کنایه و گوناگونی آن میتواند به نوع زندگی شاعر و جامعه او اشاره کند. با توجه به موضوع اثر و مخاطبان آن که مردم عامه هستند، کنایات بکاررفته در اثر نیز بیشتر از زبان عامه گرفته شده است و از نظر نوع، بیشتر کنایات، فعلی هستند؛ پشت به معرکه جانبازی نداد (۲۰)، به نوعی کمر بندگی بستند (۲۳)، حوریان از ناخن غم رخساره گلگون نمودند (۲۶)، از کشته پشته میفرمود (۸۶)، دمار از این گرگان ستمکار و شیاطین کفار برآورم (۲۸۸)، آن حضرت فی‌الفور به ضرب شمشیر آتشبار دمار از ایشان برآورد (۸۲)، دود از نهاد مبارک برخاست (۸۴)، انگشت خود را به دندان میگریزد (۱۹۷)، منافقان این خبر را به آن فرو شده‌چاه چاه یعنی، عبیدالله روسپاه رسانیدند (۲۱۳).

*تناسب: تناسب به معنای کنار هم نشاندن واژه‌هایی از یک مجموعه که با هم تناسب دارند از دیگر صنایعی است که در لسان‌الذاکرین نیز بسامد زیادی دارد؛ این صنعت به خودی خود نقش چندانی در ارزش زیبایی‌شناسی متن ندارد اما در این کتاب علاوه بر تناسب مذکور که مراعات‌النظیر نیز خواننده شده است، گونه‌ای دیگر از این تناسب و هماهنگی را مییابیم. در این اثر آغاز سخن در هر بخش به سراچه‌ای در حمد و دعا آراسته شده که در بیشتر این سراچه‌ها واژه یا عبارتهایی است که با موضوع سخن آن بخش تناسب دارد و این امر بر حسن کلام میافزاید؛ بعنوان نمونه هرگاه سخن در ذکر شهادت یکی از یاران امام است، در سراچه سخن، واژه‌های متناسب با نام ایشان می‌آورد: در ذکر شهادت وهب میگوید: الحمد لله الذی وهب لنا ولايته... (۲۳۸) یا آنگاه که

سخن درباره حبيب بن مظاهر است میگوید: حبيب، حبيب حضرت احمدی (۳) و نعمدک یا حبيب‌العارفین (۲۵۴). همچنین است در ذکر شهادت مسلم: ... جعلنا من المسلمین ... (۲۴۴) و نیز ظهیر: یا ظهیر المستظهرین (۲۵۰) و آنگاه که درباره مالک است: مالک ملک خصایل (۳) و یا مالک الملک و الملکوت (۲۵۲).

*ایهام تناسب: مؤلف در ساخت این آرایه نیز از اسامی افراد بهره گرفته است: ای عزیز، در دار بقا، حسین، منصور است نه مقهور (۱). ضریر آزاده، سیف از نیام برآمده؛ معقل عاقل (۳). مالک ملک خصایل؛ عروه محکم ایمان (۳)، اشارات، شفای دل بیمار است، و شفا، اشارات جذبه بار. هدایه، هدایم کرد حکمت‌العین، نجاتم داد (۷). روی از پل ذهاب متاب: بی سعی، کس به کعبه جانان مکان نکرد (۱۷۶).

*تقابلهای دوگانه: «تقابلهای دوگانه» به معنای جفت یا رشته‌واژگانی «که از نظر معنایی با هم تفاوت و تضاد داشته باشند و درعینحال در یک مقوله یا طبقه معنایی قرار بگیرند» (تقابل معنایی و جزء واژگانی در ترجمه،

صناعتی: ص ۱۱۸) و دارای ویژگیهای مشترک نیز باشند، از مفاهیم بنیادین زبان‌شناسی بشمار می‌رود. حضور و وفور تقابله‌ها در لسان‌الذکرین بلحاظ موضوع آن که بیان واقعهٔ رویارویی دو جناح حق و باطل است، امری بدیهی و مسلم است. این تقابله‌ها بوضوح تضاد و تقابل میان سالار شهیدان و دشمنان او را در نظر خواننده مجسم می‌سازند: از بند ارادتشان ارباب جهل را به اصحاب عقل رساند (۳۳۰)، اصحاب فیل خوشدل و آل خلیل زار (۳۴۹)، در دست گرگان کوفه و شام یوسف‌وار گرفتار (۲۹۴)، چهارده نفر را به درک نیران فرستاده به ضربت حرملهٔ لعین به اعلیٰ علیین شتافت (۲۷۴)، بستان خلد را به تمنای ملک ری (۲۱۱).

* تمسک به آیات و احادیث: صرف نظر از باب اول کتاب، که در بیان آیات و احادیثی است که در شأن حضرت سیدالشهدا نازل شده‌اند، در سراسر کتاب نیز آیات و احادیث بیشماری آمده است که مؤلف برای توصیف و ذکر مصیبت‌های وارده بر پیغمبران، آیاتی از قرآن کریم را ذکر و ترجمه کرده است. زیباترین استفاده از این آیات و احادیث، بشکل ترکیبات اضافی یا وصفی آمده است: مصداق کریمه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» بود (۱۰)، آن حضرت است مصداق «يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ»، اصحاب آن حضرت بودند ما صدق «الَّذِينَ يَصْلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ» (۲۳)، خلعت «حسین منی و انا من حسین» بر من پوشانیده (۲۴۴).

* تلمیحات دینی، پهلوانی و غنایی: نائینی با ذکر اسامی خاص مذهبی و پهلوانی میان واقعهٔ عاشورا و این داستانها پیوند ایجاد میکند. بیشتر تلمیحات، به داستانهای پیامبران اشاره دارد و در این میان از داستانهای ملی نیز شواهدی در اثر دیده میشود:

خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا (۲۲)، که اگر سام نریمان و رستم دستان زنده بودند، جبهه به نعل سم سمندش سودندی (۸۸)، سامری امت، خلق را به گوساله‌پرستی دعوت نموده (۱۱۲)، ای - یوسف مصراعتبار، من که با کنیزی خاتون دنیا از از زلیخا عار دارم (۲۴۱)، روح بودم به فلک میروم اینک از دار / نوحم و کشتی من رفت ز طوفان به کنار (۳۰۷)، خلیلی را برندش سوی نمرود / کلیمی را بر فرعون مردود (۱۲۰)، ای پدر، یوسف تو در خطر گرگان است / سربسر حال عزیزت چو مه کنعان است (۲۹۴)، برد عیسی را به گردون مهر رایت از زمین / بود موسی را درخت وادی ایمن قیس (۳۶۰)، به پشتگرمی جودش ضعیفتر موری / به خوان خود طلبد لشگر سلیمان را (۳۰۶)، داستان عقل و عشق از راستی / قصهٔ اسکند و داراستی (۱۵)، گر بود نفس تو خود اسفندیار / رستم عشقش نماید خاکسار (۱۵)، شهریاران گریه کردند و افزون از تمام / صاحب تاج جم و ایوان افریدون گریست (۵).

نتیجه‌گیری

نسخهٔ خطی «لسان‌الذکرین» تألیف حاج میرزا محمدهادی نائینی متعلق به دورهٔ قاجار و از نظر موضوع و محتوا، جزو کتب «اخبار و مقتل» است و دربارهٔ وقایع جانسوز کربلا و شهادت حضرت امام حسین علیه‌السلام و خویشاوندان و یاران آن حضرت و مختصری از احوال و فضائل بقیهٔ ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام همراه با اشعار فارسی از مؤلف است. در این مقاله به بررسی سبک‌شناسی این اثر پرداخته شد و نتایج زیر بدست آمد:

نثر کتاب لسان‌الذکرین یکدست نیست، بخشهایی از کتاب، بویژه آنگاه که به نقل آیات و روایات می‌پردازد، نثری ساده و روان دارد. کاربرد واژگان و لحن و دستور کهن نثر وی را به نثر مرسل سبک خراسانی نزدیک میکند با این تفاوت که شمار واژگان عربی در این کتاب بسیار چشمگیر است. بخشهای دیگر کتاب که بیشتر قسمتهای آن را دربرمیگیرد، نثری آراسته به انواع صنایع بلاغی و ادبی همچون سجع، جناس، تشبیه، استعاره و دیگر صنایع

دارد. در این اثر، مؤلف با استفاده از اسامی اشخاص (بوئزه یاران حضرت سیدالشهداء) به ساخت جناس، سجع و دیگر آرایه‌های ادبی پرداخته است. همچنین از اطلاعات علمی خود نیز برای توصیف واقعه کربلا بهره جسته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد استخراج شده است. آقای دکتر امیرحسین همتی راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حسینعلی پورمدنی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سیدمحمد راستگو از دانشگاه کاشان نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Gholamrezaei, Mohammad. (2002). Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamloo, Tehran: Jami, pp 254-257.
- Hemmati, Amir Hossein. (2011). Stylistic study of Lisan-Al-Zakerin Rathi Naini, *Journal of Literary Criticism and Stylistics*, No. 3, pp. 180-149.
- Mayel Heravi, Najib. (2000). Roundtable on the methods of reviving the texts of Ahl-e Qalam, *Ayeneh Miras* (9), pp. 110- 115.
- Mirsadeghi, Meymant. (1997). Glossary of poetic art, Tehran: Mahnaz Book, p 103.

- Natel Khanlari, Parviz. (1993). History of Persian Language. Fifth Edition, Tehran: Simorgh, p 62.
- Rathi na'ini, Mohammadhadi. (n.d). Manuscript to number 548, Goharshad Mosque Library.
- Sena'ati, Marzieh and Mohammad Reza. (1998). Semantic contrast and lexical component in translation. Third Congress of Translation Issues, Tabriz: Tabriz University, p 118.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1994). Imaginations in Persian Poetry, Tehran: Agah, p 253.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1997). Poetry Music. Fifth Edition, Tehran: Agah, p 415, 301, 27.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (2000). Innovative from the point of view of aesthetics, Tehran: Dustan, p 56.

فهرست منابع

- بدیع از دیدگاه زیباشناسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹) تهران: دوستان.
- بررسی سبکی لسان‌الذاکرین راثی نائینی، همتی، امیرحسین (۱۳۹۰) مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳، صص ۱۸۰ - ۱۴۹.
- تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴) چاپ پنجم، تهران: سیمرغ.
- تقابل معنایی و جزء‌واژگانی در ترجمه، صنعتی، مرضیه و محمدرضا (۱۳۷۷) سومین کنگره بررسی مسائل ترجمه، تبریز: دانشگاه تبریز.
- درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳) تهران: امیرکبیر.
- سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد (۱۳۸۱) تهران: جامی.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) تهران: آگه.
- لسان‌الذاکرین راثی نائینی، محمدهادی (بی‌تا)، نسخه خطی شماره ۵۴۸، کتابخانه مسجد گوهرشاد.
- معالم‌البلاغه، رجایی، محمدخلیل (۱۳۴۰). شیراز: دانشگاه شیراز.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) چاپ پنجم، تهران: آگه.
- میزگرد: شیوه‌های احیای متون سرای اهل قلم، مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹) *آینه میراث*، شماره ۹، صص ۱۱۰-

واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶) تهران: کتاب مهناز.

معرفی نویسندگان

حسینعلی پورمدنی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
(Email: pourmadani.hoseinali@gmail.com)

امیرحسین همتی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
(Email: hematiamil80@yahoo.com (نویسنده مسئول))

سیدمحمد راستگو: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
(Email: rastgoo@kashan.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Hossein Ali Pourmadani: PhD student in Persian language and literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
(Email: pourmadani.hoseinali@gmail.com)

Amir Hossein Hemmati: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
Email: hematiamil80@yahoo.com)

Seyyed Mohammad Rastgoo: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.
(Email: rastgoo@kashan.ac.ir)